

تبعیض نژادی در آمریکا تنها مورد نقض حقوق بشر نیست، اصولاً نقض حقوق بشر نقض محدود به یک مقوله نیست. در رابطه با آمریکا به نظرم ما باید در دو سطح یا دو جنبه ببینیم، یکی در حوزه ملی آن چیزی که به عنوان نقض حقوق بشر چه در context بین المللی و چه در سیاق قانون اساسی خود آمریکا، در واقع می بینیم که علیه یا اتباع شهروندان خودش، یا کسانی که در قلمرو آن حضور دارند. دسته دوم که به نظرم این بیشتر برای ما حائز اهمیت هست نقض هایی است که در اثر اقدامات فراملی آمریکا صورت می گیرند، یعنی لزوماً علیه شهروندان خودش، یا کسانی که در قلمرو خودش هستند این نقض ها صورت نمی گیرند. مثل بحث تحمیل تحریم ها علیه کشورهای مختلف که ما هم یکی از آن کشورهایی هستیم که اتفاقاً حقوق انسانی شهروندان ما هم نقض می شود، یا مثلاً اقدامات نظامی فرامری که انجام می دهد در یک نگاه کلی تر که حقوق بین المللی بشردوستانه را هم شامل شود، حق های بنیادین شهروندان در افغانستان، عراق و جاهای دیگر هم نقض می شوند. بنابراین این هم باز مصداق نقض حقوق بشر هست و نقض (در فارسی ما می گوئیم محبت محبت می آورد) هم نقض می آورد. وقتی یک نقضی صورت می گیرد مثل اینکه جورج فلویید کشته می شود، اعتراضات صورت می گیرد، دوباره خود این منجر می شود به نقض حقوق معترضین، خبرنگاران، روزنامه نگاران و بحث های دیگر.»

آمریکا، مجرم یقه سفید

وی ادامه داد: «اگر بخواهیم در واقع گزته برداری کنیم از بحث حقوق جزای داخلی، حقوق کیفری داخلی، مثل جرائمی که یقه سفیدها انجام می دهند؛ می دانیم که در واقع یقه سفیدها جرم انجام می دهند، گاهی اصلاً این ها حتی به پلیس گزارش نمی شود، گاهی به پلیس گزارش می شود از پلیس بالاتر نمی رود، یا حتی تا سطح دادگاه می آید اما قبل از اینکه به مرحله صدور حکم برسد این ها را به گونه ای جمع می کنند. این دلایل متعددی دارد، یکی این هست که آمریکایی ها رسانه های خیلی قوی ای دارند، رسانه هایی دارند که گاهی می توانند به مخاطبین خودشان اصلاً مسأله را

آن طور که خودشان می خواهند تلقین کنند. هژمونی سیاسی ای که دارند، وابستگی کشورها به آمریکا از حیث اقتصادی، جاهایی که قرار باشد علیه آمریکا موضعی گرفته شود آمریکا یا تطمیع می کند، یا تهدید می کند و لذا در سازمان های بین المللی موضعی مخالف آمریکا گرفته نمی شود. وابستگی مالی سازمان های بین المللی به آمریکا. حتی شما می بینید مثلاً چند روز پیش دیوان بین المللی کیفری را هم در واقع تحریم می کند، هم خود دیوان، هم مجموعه کارکنانش را، چرا؟ چون احساس می کند این در حقیقت قرار است که به نقض های حقوق بشری آمریکا رسیدگی کند، نقض هایی که نظامیان آمریکا در قلمرو افغانستان یا علیه اتباع افغانستان در واقع مرتکب شدند، بنابراین می آید و حتی نماد عدالت کیفری بین المللی را هم مورد حمله و تهدید قرار می دهد. از هر کدام از این ها تا جایی حمایت می کند که یا باعث شود آمریکا به سطح راهبری در دنیا برسد، یا راهبری اش را حفظ کنند. با دیوان بین المللی کیفری مخالفت می کند به خاطر اینکه هیچ کدام از این نقش ها را به او نمی دهد.»

طغیان علیه نمادهای برده داری

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی افزود: «در بحث مجسمه ها برگردیم به context اتفاقاتی که صورت گرفته، مرگ جورج فلویید در حقیقت ظاهرش کشتن یک انسان بوده است. به نظرم باید این را صدای مجموعه ای از انسان های رنگین پوست چه در اروپا و چه در آمریکا بدانیم که دو حرف را دارند مطرح می کنند: ۱- آیا کسی هست که ما را ببیند، ۲- اجازه دهید ما نفس بکشیم؟ آن جمله ای که جورج فلویید می گوید زمانی که پلیس آمریکا پا بر گلو او فشرده، به نظرم یک جمله نمادین هست، اما واقعیتش این است که دارد به دنیا می گوید، حتی به خود نظام آمریکا می گوید که اجازه دهید ما هم در این کشور نفس بکشیم، اجازه دهید ما دیگر قربانی تبعیض نظام مند نباشیم. یکی از جاهایی که افراد می توانند اعتراض خودشان را نشان دهند همان نمادهایی است که ما در جامعه به شکل های مختلف می بینیم، از خود مجسمه جورج واشنگتن شروع می کنند.»

آیا تو چنین که می نمای هستی؟

دکتر نژندی منش در ادامه گفت: «اتفاقاتی از این قبیل هست که ما و افکار عمومی را هوشیار می کند تا به قول خیام، آن سؤال را بپرسیم که آیا تو چنین که می نمای هستی؟ تو که هر سال گزارش هایی در مورد نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف می نویسی، آیا خودت این ها را رعایت می کنی؟ این به نظرم اتفاق خوبی است که دارد می افتد و باعث می شود چهره واقعی که پشت حرف های قشنگ آمریکایی ها سال ها مخفی شده بود و الان می توانیم شفاف تر ببینیم و ما می توانیم ببینیم زمانی که آقای ترامپ پیام هایی که در توئیتر در مورد برخورد با معترضین می دهد، شما یک لحظه تصور کنید رئیس جمهور یک کشور دیگری این حرف را می زد، آمریکا، اتحادیه اروپا، حتی کشورهای اروپایی چه غوغایی به راه می انداختند حتی NGO ها، ولی در رابطه با آقای ترامپ مقداری می بینید، گزارشگران سازمان ملل یا خود خانم باشله یا افراد دیگر مثلاً statement صادر می کنند، ولی هیچ وقت شدت عملی که ما انتظار داریم نمی بینیم. این باز حسن نیت سازمان های بین المللی و اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر را هم زیر سؤال می برد. اصل حسن نیت این است که در موارد مشابه هم برخورد مشابهی داشته باشیم، نه اینکه در رابطه با آمریکا فقط بگوئیم media statement صادر می کنیم اما اگر در مورد چین یا ایران یا کشور دیگری باشد، یک قطعنامه شدیدالحن صادر می کنیم یا گاهی شورای امنیت سازمان ملل متحد را متقاعد کنیم که قطعنامه فصل هفتمی صادر کند.»

سازمان های ریاکار بین المللی

وی در تشریح رویه سازمان های بین المللی اضافه کرد: «ولی فرض کنید آیا الان NGO ها یا حتی خود گزارشگران ویژه سازمان ملل این بحث را آمدند مطرح کنند که این اقدامات آمریکا دست کم در مقابل سیاه پوستان می تواند مصداق بارز جنایت علیه بشریت باشد؟ آیا سازمان ملل متحد می خواهد گزارشگر ویژه چه در بحث تبعیض سیستماتیک که در آمریکا وجود دارد چه در بحث برخوردی که با معترضین بوده، طراحی و راه اندازی کند؟ اینجا است که نه تنها نفاق و ریاکاری آمریکایی ها بلکه به نظرم حتی ریاکاری سازمان های بین المللی در بحث حقوق بشر را هم